

## یادداشت مجله

آقای علی اکبر سرفراز رئیس هیات علمی و کادشهای  
بیشاپور مقاله ای دربارهٔ نتیجهٔ تمرینش کادشهای خود  
برای درج در مجلهٔ بررسیهای تاریخی ارسال داشته‌اند.  
در این مقاله یکی از جالبترین نقوش برجستهٔ ساسانی  
برای نخستین بار معرفی میگردد.

بررسیهای تاریخی از ادارهٔ کل باستانشناسی که  
موافقت خود را با درج مقالهٔ مزبور اعلام داشته‌اند  
سپاسگزار است و موفقیت هر چه بیشتر نویسندهٔ ارجمند  
و دانشمند آنرا آرزومند است.

بررسی های تاریخی ...



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسال جامع علوم انسانی

دکتر سجاد احمد مدنی، مدیر، لہور

# کشف

یکی از مهمترین نقوش برجسته جالب توجه

دوره ساسانی

تقدم  
دکتر ساجدالله کرمی

علی اکبر سروراز

«دکتر در باستان‌شناسی»

هیئت حفاری علمی باستان-  
شناسی ایران در شهر باستانی  
بیشاپور<sup>۱</sup> قریب سه سال است که  
عملیات اکتشافی خود را در  
زمینه علمی و تحقیقاتی دوره  
تاریخی ساسانی در این منطقه  
شروع نموده است.

هیئت مذکور تا کنون  
موفق شده است قسمتی از حصار  
و برج و باروی مستحکم این  
شهر قدیمی را که بامر شاپور  
اول ساسانی بنا گردیده است  
از دل خاک خارج کند. همچنین  
هیئت اعزامی در حوزه این مکان  
ضمن مطالعات و بررسی خود  
موفق گردید یکی از مهمترین  
نقوش برجسته زمان ساسانی  
را که بر قطعه سنگی عظیم

۱- نام پهلوی این شهروه شاپور - به شاپور بمعنی ازکارهای خوب شاپور میباشد.

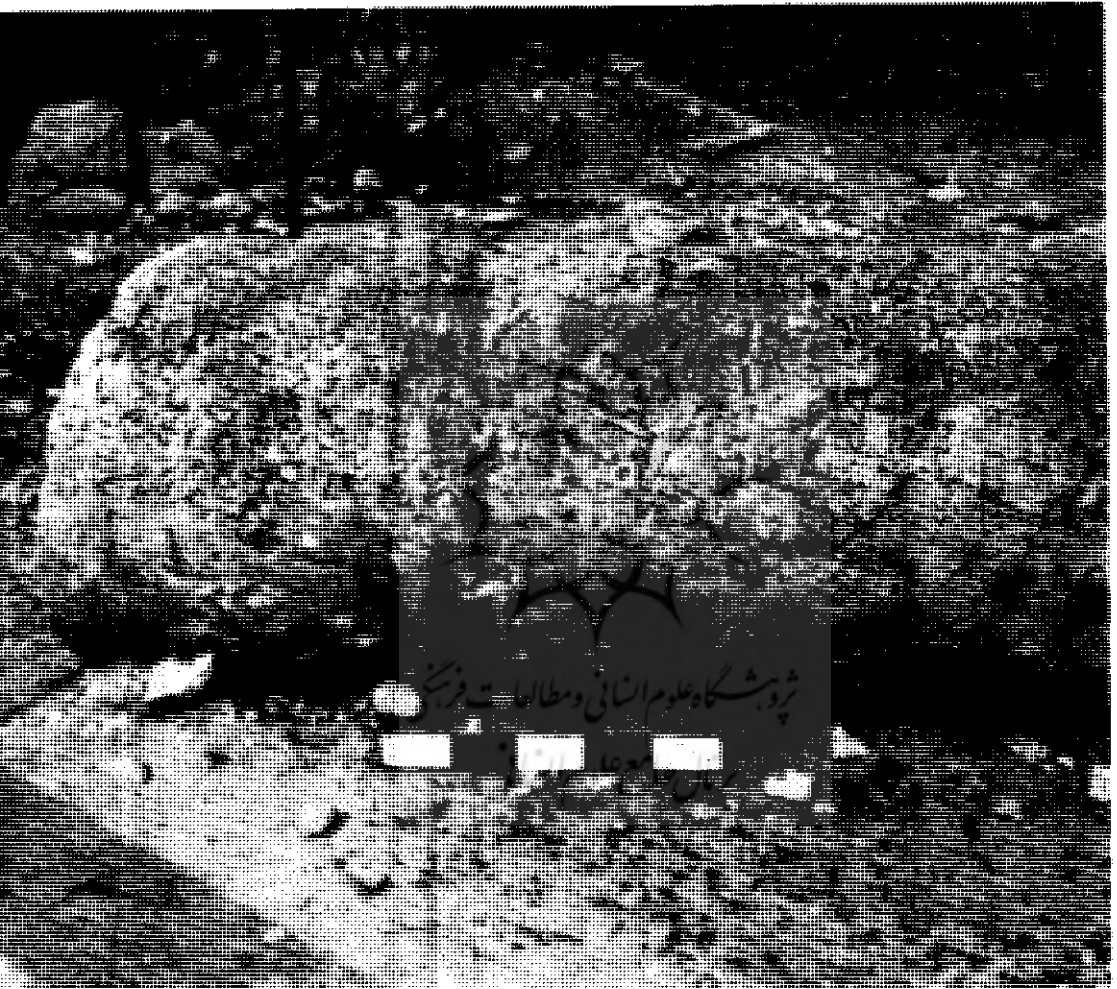
حجاری شده و در کنار جاده شاهی روزگار باستان قرار دارد کشف نماید. این جاده یکی از مهمترین راههای عمده قدیم است که تخت جمشید و استخر را به شهر باستانی شوش می پیوست و در دوره ساسانی فیروز آباد (گور قدیم) و بیشاپور را به تیسفون مقر سلاطین ساسانی وصل میکرد بدین ترتیب که این پایتخت از طریق کرمانشاهان - همدان به خوزستان و از آنجا به بیشاپور و کرانه‌های خلیج فارس امتداد می یافت، این گذرگاه تاریخی شاهد بسیاری از کشمکش‌های زمان قدیم است، خشایارشا از همین راه برای حمله به یونان استفاده کرد و اردشیر بابکان پس از کسب قدرت محلی در روز ۲۸ آوریل سال ۲۲۴ میلادی تیسفون را مسخر و پایتخت را به آن مکان منتقل نمود و پسرش شاپور اول برای جنگ با رومیان و تصرف انطاکیه شهر زیبا و ثروتمند روم شرقی و پایتخت سوریه در این معبر اقدام به لشکر کشی نمود، ناگفته نماند، از این جاده پیوسته بمنظور کشمکش‌های سیاسی و قدرت و زور - آزمایی استفاده نمی شد بلکه راه مزبور یکی از طرق تجارتهای هم بود. که سوداگران امتعه خود را از این گذرگاه با اقوام دیگر عرضه داشته و واسطه داد و ستد بین این اقوام بوده اند ولی در مسیر این جاده باستانی و تلاقی چهار راه آن که به کرانه‌های خلیج فارس امتداد داشت شهر باستانی بیشاپور حائز اهمیت فراوان بوده و چند نفر از شاهنشاهان ساسانی مانند شاپور اول - بهرام اول - بهرام دوم و شاپور دوم در تنگ چوگان که متصل به این جلگه مصفا است بر دل کوهها نقوش خود را حجاری نموده شرح فتوحاتشان را در معرض دید عابریین نهاده اند و بقول استخری. در ناحیه شاپور (بیشاپور زمان ساسانی و صدر اسلام) نقش پادشاهان و بزرگان فارس و مؤبدان و سایر سرداران را بر کوهها نقش کرده اند.

البته در زادگاه قوم پارسی نژاد ساسانی یعنی در اقلیم پارس، کتیبه‌ها و نقوش برجسته زیادی در کوره‌های مختلف (تقسیمات ایالت پارس در زمان ساسانی) وجود دارد ولی بدون شك نقوش برجسته تنگ چوگان و مجسمه عظیم شاپور

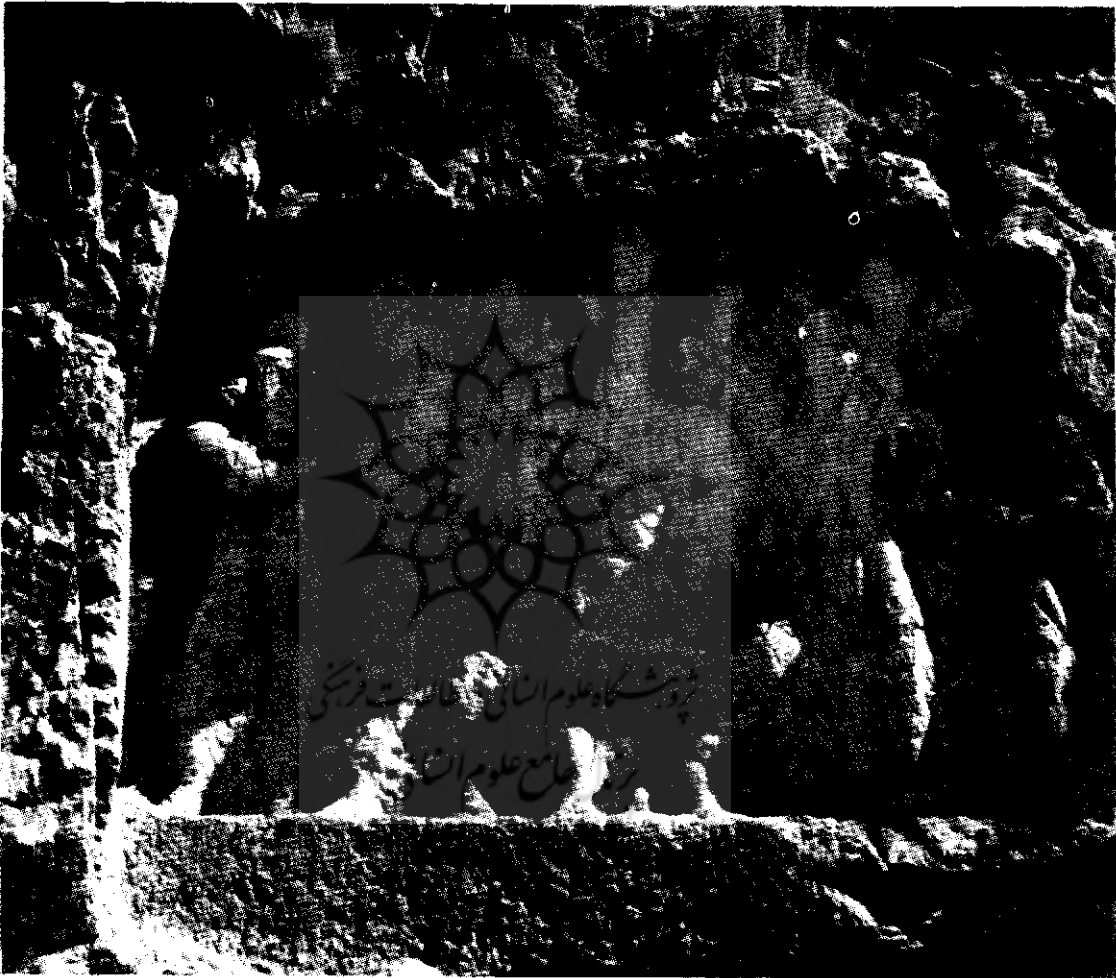
در غاری که در حوزه بیشاپور مقر شاپور اول حجاری شده است در زمرة شاهکارهای حجاری زمان ساسانیان بشمار میرود و در همین مکان شاپور اول بمناسبت یادگارتخت و غلمه خود بر والرین امپراطور روم بطور متعدد نقش این پیروزی و مجالس شکوهمند از عظمت گذشته تاریخی خود را بر سینه کوه تنگ چوگان حک نموده است. ۲ این شهر باستانی بر طبق ستون کتیبه داری که بدو خط پهلوی اشکانی و ساسانی نوشته شده و هم اکنون در محل بیشاپور موجود است در سال ۲۶۶ میلادی بنا گردیده است (تصویر شماره ۱) و از جمله شهرهای زیبای زمان ساسانی است که بمراتب از فیروز آباد بزرگتر و مهمتر و بر طبق نقشه شهرسازی نقشه آن با سایر شهرهای متمدن آن روز از جمله شهرهای بیزانس (روم شرقی) رقابت مینماید.

جلگه بیشاپور از نظر سوق الجیشی نیز حائز اهمیت تاریخی است زیرا حد فاصل بین استان فارس و خوزستان قرار گرفته و چنین بنظر میرسد که مرکز قدرت و سلطنت محلی پس از فیروز آباد که مقر اردشیر پدر شاپور بود به بیشاپور منتقل گردیده است. شهر مذکور علاوه بر شرایط مناسب و اوضاع طبیعی و جغرافیائی که در حاشیه رودخانه شاپور احداث شده است وجه امتیاز دیگری دارد بدین معنی که در کنار جاده شاهی واقع شده است. راهی که فیروز آباد و بیشاپور را در روزگار باستان به تیسفون وصل میکرد تا مکان معروف به سرآب بهرام ۲۰ کیلومتری این محل در جلگه کورک (جائیکه نقش بهرام را بطور نشسته براریکه سلطنت در برابر بزرگان ساسانی نقش کرده اند). (تصویر شماره ۲) امتداد می یافت و از آن پس بعلت وجود باتلاقیهای ژرف و غیر قابل عبور از دره مقابل نقش فوق الذکر و از تنگه ای بنام تنگ قنبدیل جاده از گذرگاه کوهستانی عبور کرده و بجلگه نورآباد ممسنی که برج معروف به آتشکده نورآباد در حوالی آن برافراشته شده بود می پیوست.

۲- یادگار این پیروزی در پنج نقطه پارس بردل کوهها نقش شده است.



تصویر ۱ - ستون پاسنک نیشته پهلوئی اشکانی و ساسانی در بيشاپور



تصویر ۲ - نقش برجسته بهرام براریکه شاهی در برابر بزرگان در سراب بهرام

این قطعه از راه شاهی که تا کنون ناشناخته مانده بود بمنظور عبور ارا به هاجاده سازی شده بود و هنوز هم آثار حاشیه و جدول بندی راه قدیم که با سنگ چین‌های مرتب و منظم بوجود آمده است به چشم می‌خورد و در کنار همین جاده و درون همین تنگ است که یکی از نقوش با عظمت دوران ساسانی حجاری گردیده و هیئت کوشه‌های باستان‌شناسی در بیشاپور چنین می‌پندارند که توفیق کشف آنرا یافته است.<sup>۳</sup>

نقش برجسته تنگ قندیل در کنار سرچشمه زیبایی که هنوز هم جریان دارد مشرف باستخری عمیق و بزرگ قدیمی بشکل مکعب با ابعاد ۱۲×۱۲ و بعمق ۵ متر واقع شده است در دامنه این تنگ که مشرف بجلگه وسیع گورک میباشد آثار خرابه‌های قدیمی که از این مخزن آب بهره‌گیری مینمود مشاهده میشود و در ارتفاعات آن بقایای بسیاری از دخمه‌های دوره ساسانی وجود دارد.

کیفیت این نقش برجسته که بصورت نیمرخ نقش گردیده از نظر هنری الهامی است از سنت گذشتگان، وقار و سکون و آرامش نقش مارا بیاد نقوش برجسته دوره هخامنشی می‌اندازد که در این سرزمین بنیانگذار شاهنشاهی عظیمی شدند و هنر و پدیده فرهنگ را بدنیای علم و ادب عرضه نموده‌اند و از طرفی ملاحظه میشود که هنر ساسانی در این نقش برجسته جانشین هنر پارسی است بدین معنی که نفوذ غربی را بهر شکلی که باشد چه از نظر فرم پوشش و چه از نظر حرکات موزون بطوری با هنر اصیل ایرانی تلفیق نموده‌اند که جنبه هنر ملی بخود گرفته است شکی نیست که در گذشته اقوامی که با یکدیگر مروده و ارتباط داشته‌اند هنر آنها در یکدیگر نفوذ متقابل مینموده است و تمدن هنر ساسانی نیز که در کشمکش‌های سیاسی و زور آزمائی دوره تاریخی بسیاری از نکات هنری تمدن‌های غربی را پذیرفته است با قوه

۳- چنانکه درباره این نقش پیش از این اطلاعی یا تصویری انتشار یافته باشد راهنمایی برای استفاده از آن موجب نهایت سپاسگزاری خواهد بود.



خلاقه خود آن پذیرش هنری را طوری دگرگون نموده است که بصورت يك اثر ملی جلوه گر شده است و ما مظاهر و جلوه‌های این آثار هنر ملی را در تمام شئون هنری از قبیل: معماری . فلزکاری . حجاری . گچ بریهای دوره ساسانی مشاهده مینمائیم ولی در این میان هنر مجسمه سازی و حجاری نقوش برجسته بنحو مطلوبی پیشرفت و خودنمایی میکند و همچنانکه گذشت شاهکار این فن و هنر را در مجسمه عظیم غار شاپور که بیش از ۶ متر بلندی آن است ملاحظه مینمائیم . وانگهی نقوش برجسته این زمان را در حقیقت میتوان مجسمه نامید زیرا برجستگی آنها مخصوصا از نظر حجم و بعد کاملا بطور مجرد و مستقل بنظر میرسد.

با توجه به آنچه گذشت این قبیل نقوش برجسته را با هیچیک از دوران تاریخی نمیتوان مقایسه نمود و از هر لحاظ بر سایر حجاری‌های گذشته برتری دارد و با وجودیکه ظرافت و خلق هنری آنها بنیایه زمان هخامنشی نمیرسد مع الوصف حجاری این دوره را میتوان دنباله هنر حجاری هخامنشی دانست. نقش برجسته تنگ قنبدیل بر روی قطعه سنگ عظیم و در لوحه‌ای مستطیل شکل بابعاد ۲۷۵ سانتیمتر (طول) و ۲۱۲ سانتیمتر (بلندی) بشرح زیر حجاری شده است. (تصویر شماره - ۳)

الف . نقش برجسته شاهنشاه ساسانی در وسط که بنا به سنت شرقی از سایر افراد این نقش بلندتر و بلندی قامت شاه باتاجی که بر سر دارد و متأسفانه در اثر مرور زمان و تأثیر باد و باران کنگردهای آن نامشخص است ۲۲۰ سانتیمتر میباشد که تمامی ارتفاع نقش را گرفته است و شاید یکی از علل نامشخص بودن تاج شاهی که از جمله مشخصات پادشاهان ایندوره است همانا محدودیت بلندی لوحه حجاری است که بعلمت وضع طبیعی و کوتاهی تخته سنگ تمامی نقش آنطور که باید و شاید بخصوص تاج مزبور حجاری نشده است با وجود بر این آثار و علائم محو شده‌ای بر روی پیشانی سنگ و مجازی کلاه شاه وجود دارد که محتملا کننده کاری مختصری از کیفیت کنگره



تصویر ۳ - نقش برجسته تنگ قنديل مکتشفه توسط هیئت حفاری بیسماپور

تاج میباید. شاهنشاه ساسانی در این نقش دارای گردن بندی ازدانه‌های مروارید بوده بصورت نیم‌رخ و بحالت ایستاده نقش شده است، نیم‌تنه تنگی پوشیده که چین‌های آن تابالای زانو نمایان است و بر روی آن شنلی دارد که بعلت باز بودن د کمه‌های آن که بر روی سینه قرار دارد وزش باد آنرا به اهتزاز در آورده است و باز بودن د کمه‌های شنل خود يك نشانه آزادگی و رهائی از قيود رسمی در این نقش است که شاه توفیق آنرا یافته است (تصویر شماره ۲) شلووار شاه ساسانی شلووار چین‌داری است که تاساق پای او را میپوشاند (شتانگ) و همچنین کفش بندداری پیادارد که بر گه‌های پهن آن بر روی کف نقش بطور چپ و راست روی هم قرار گرفته و با دست چپ قبضه شمشیری را که بطور حمایل باتسمه‌های چرمی آویخته شده است نگاه میدارد و دسته شمشیر در محاذی کمر و روی کمر بندی است که با دو قلاب محکم شده است.

پای چپ تقریباً يك حالت آزادگی دارد و هیكل و رزیسده و متناسب شاهنشاه ساسانی در البسه سلطنتی دارای ابهت و سطوتی زاید الوصف است موهای شاه که بر پشت جمع شده روی شانه‌ها را می پوشاند - نواری که از حلقه مدوری گذرانده شده است (و در تصویر چندان روشن نیست) و مربوط به البسه و تاج سلطنتی است در پشت سر ملاحظه میشود، شاه رو به ملکه طوری ایستاده که با دست راست در حال گرفتن گل لاله یا ساغری است که ملکه به او تقدیم میدارد و در چنین وضعی شاهنشاه ساسانی چشم به ملکه دوخته و کاملاً متوجه او میباید. (تصویر شماره - ۴)

ب - رو بروی پادشاه و سمت راست او ملکه با قامتی متناسب که در این نقش به بلندی ۱۹۲ سانتیمتر یعنی در حدود ۸ سانتیمتر از قامت شاهنشاه کوتاه‌تر نشان داده شده است دیده میشود که تاجی بر سر دارد بوسیله نوارهای این تاج موی سر که بشکل دم‌اسبی در پشت حلقه شده است باروبانی گرم خورده و نوارهای پهن آن کاملاً آشکار است. دانه‌هایی از مروارید درشت زینت بخش گردن ملکه است که در حالت ایستاده رو به شاه در حال تقدیم ساغراست ولی



تصویر ۴ - نمای قسمتی از تزئینات لباس شاهنشاه در نقش برجسته تنگ قندیل

دست چپ او آنطور که باید و شاید مشخص نیست اما شیمی را در بغل دارد که اگر هدیه شاه به ملکه نباشد احتمالاً پیکره یا ظرفی مربوط به ساغراست. لباس چین دار بلندی که تا پائین پا افتاده از حریری نازک تریب یافته زانوهای ملکه از زیر این پیراهن حریر لطیف کاملاً هویدا است شنلی بر روی این پیراهن دیده میشود که در قسمت روی شانه‌ها نمایان نیست ولی از کمر به پائین در اثر وزش باد چین خورده و باهتزاز در آمده است کمر بند لباس در قسمت جلو دارای گره‌ای است که دو بر گه‌های آن آویزان شده است. (تصویر شماره ۶۰۵-۶)

ج. شخصی که در سمت راست تصویر در پشت سر شاهنشاه ساسانی دیده میشود در حالت ایستاده بوده و با دست راست حلقه سلطنتی را نگهداری میکند و مشخصاتی دارد که از نظر لباس و شمشیر و طرز ایستادن و هیئت جسمانی با شخص شاهنشاه قابل مقایسه است. منتهی تصویر مزبور در حدود چند سانتیمتر بنا به سنت هنری این عصر کوچکتر از قامت پادشاه نموده شده است. لباسی که بر تن دارد با مختصر اختلافی نظیر لباس شاه ساسانی است یعنی نیم تنه تنگی پوشیده که بر روی آن شنلی دارد و شبوه حرکات وی بصورت نیم رخ و در حالت ایستاده شبیه شاه است که با دست راست حلقه فره ایزدی و نشانه سلطنت را در پشت سر شاه نگهداشته و با دست چپ قبضه شمشیری را که با تسمه‌های چرمی حمایل شده گرفته است این شخص دارای بدنی ورزیده و با ابهت است شمل او را نیز نسیمی که از سمت راست وزیده مانند سایر نقوش این صحنه بحرکت در آورده است و شتالنگ او تا ساقه پارا پوشانده و کفش بندداری بر پا دارد که دو بر گه‌های آن در روی کف زمین افتاده است. نقش مذکور بجای گردن بند مروارید، طوقی ساده و پهن که محتملاً از طلا میباشد بر گردن دارد. گیسوان بافته او را نوارهایی که چین‌هایش تمامی پشت سر را فرا گرفته پوشانده است. کمر بند او با دو قلاب مدور بر روی کمر محکم شده است متأسفانه بعلت آهکی بودن نوع سنگ و نفوذ آب قسمتهای حساسی



تصویر ۵ - قسمتی از بدنه و بساک و روبان و گردن‌بند ملکه آذر آناهیتا



تصویر ۶ - امان قاسمی از پوشش ملکہ بلوچستان در حالی پرچم بلوچستان را برافراشته

از این نقش محو شده که از مشخصات کامل آن می‌گاهد و از آن جمله است قسمتی از پاهای شخص نگهدارنده حلقه فره ایزدی .

با وجود بر این از مطالعه این نقش برجسته چنین استنباط می‌گردد که از نظر مقایسه و مشابهت با سایر نقوش پادشاهان نخستین ساسانی ( فی‌المثل مراسم تاجگذاری اردشیر در نقش رجب نزدیک تخت جمشید یا نقش رستم در کنار قبور سلاطین هخامنشی) که پادشاه و اهور مزدا هر دو سوار بر اسب می‌باشند و در عین حال دارای لباسی متحدالشکل بوده و اردشیر برای گرفتن فره ایزدی که نشانه سلطنتی است در مقابل اهور مزدا قرار گرفته و با حجاری نقش برجسته شاپور اول در نقش رجب که حاکی از جلوس این پادشاه است و در حال گرفتن حلقه سلطنتی از خدای بزرگ اهور مزدا است شاه دارای تاج مخصوصی بخود و اهور مزدا نیز دارای تاج کنگره‌ای است ولی در نقش برجسته تنگ‌قندیل که ذکر آن گذشت علاوه بر آنکه وضع کلاه یا تاج شخص ایستاده در پشت سر شاه مشخص نیست مشاهده میشود که با گرفتن حلقه فره ایزدی با ایما اشاره بنقش وسط که شخص شاه باشد تفهیم مینماید که این شخص شاه است. در نقوش تشریفاتی فوق‌الذکر شاه بعنوان احترام نسبت به خدای بزرگ با بلند کردن انگشت سبابه به اهور مزدا ادای احترام مینمایند ، و در این نقش چنین نیست بنابراین میتوان استنباط کرد که در این صحنه شخص مذکور اهور مزدا نیست و امکان دارد که یکی از نجبا و بزرگان باشد چنان که در زمان ساسانیان نقش نزدیکان و بزرگان و نجبا در حجاریها مرسوم بوده است اما این گونه اشخاص نزدیک بشاه از داشتن حلقه‌های گیسوی مجعد نظیر موی شاه برخوردار بوده‌اند و کیفیت چنین نقوش را در نقش برجسته پیشاپوردر تنگ‌چوگان ملاحظه میکنیم که پنج‌سوار با موهای مجعد پشت سر شاه بلافاصله قرار دارند و یقیناً از صاحب‌منصبان عالی‌قدر یا بزرگان و نجبای نزدیک می‌باشند در صورتیکه در نقش برجسته تنگ‌قندیل چنین وضعی برای شخص ایستاده در پشت سر شاه وجود ندارد یعنی فاقد حلقه‌های گیسوی مجعد



است بنابراین اگر از نزدیکان بلا فصل شاهی نباشد که نیست بدون شك از مقربان نیست که در چنین صحنه تاریخی حضور یافته است و در این صورت میتوان تصور کرد که این شخص دارای مقامی ارجمند و هم‌مطراز با مقام اهور مزداست که حامل فره‌ایزدی و نشانه سلطنتی است و جنبه مذهبی بیش از خصوصیت خانوادگی او و نزدیکیش بشاه اهمیت دارد و مسلماً چنین شخصی دارای اقتداری عظیم بوده است که باید در کلیه موارد روز ندگی خصوصی افراد مداخله داشته باشد و یقیناً توجه ما بمردی مذهبی معطوف میشود که از خدمات فوق برای استحکام دین زردشت و موفقیت‌هایش بحث شده و از صداقت و دیانتش سخن بمیان آمده است و پادشاهان ساسانی که از ابتدا به روحانیون زرتشتی گرویده و برای آنها احترام خاصی قائل گردیده‌اند بنیاد سلطنت و حکومت خود را بر پایه دینی ملی گذارند و چنین همبستگی تا آخر شاهنشاهی ساسانی مشاهده میشود بنا بر این احتمال دارد که شخص مذکور در این نقش کرتیر موبدان موبد زمان شاپور باشد که در همه حال شاپور را یاری نموده است و بنابه سنگ‌نبشته‌های او نامش که لقبی بیش نیست همان اهور مزدا خدای یکتا قلمداد شده است چنانکه ضمن معرفی خود در کتیبه کعبه زرتشت<sup>۴</sup> مینویسد من کرتیر موبدان موبد خدایگان شاپور شاه شاهان راستگو و درستکار بوده‌ام من به خداوند ، بشاپور شاه شاهان برای وظایف مذهبی در دربار اقدام کرده‌ام ، همه جا در تمام قلمرو حکومت شاپور و این بدستور شاپور بود و شاپور بمن نام کرتیر موبدان موبد داد که همان نام اهور مزدا خدای یکتا است در جایی دیگر میگوید بخاطر وظایف مذهبی مقتدر و شکوهمند بمن کرتیر موبدان موبد داد که همان نام اهور مزدا خدای یکتا بود ولی در آن زمان در تمام کشورهای تابع مرا موبدان موبد و قاضی کرد و انجام مراسم آنها را بمن سپرد و مرا ریاست و اقتدار بخشید نگاهی بمن سنگ‌نبشته مهم کعبه زرتشت در نقش رستم و گفتار کرتیر مقام و منزلتی را که این موبدان موبد داشته است

۴- واقع در نقش رستم .

کاملاً روشن می‌سازد بخصوص که کرتیر از روحانیون متنفذی است که درک زمان پنجم پادشاه اولیه ساسانی یعنی اردشیر - شاپور اول - هرمز اول - بهرام - اول - بهرام دوم را نموده است و خدمات صادقانه او مورد تائید شاهنشاهان بعد از شاپور نیز واقع شده و بدرجات عالی تری ارتقاء یافته است .

چنانکه از متن کتیبه کعبه زرتشت در این باره مستفاد میشود بوی در زمان بهرام عنوان نجات‌دهنده روح بهرام اعطاء شده و در زمان بهرام دوم مقام روحانی موبدان موبد و قاضی کل مملکت بعلاوه ریاست کل معبد آناهیتارا که روزگاری جد شاهنشاهان ساسانی یعنی ساسان افتخار آنرا داشت کسب نموده است در کتیبه دیگر نقش رستم در پشت سر نقش شاپور و والیرین خود را کرتیر موبدان موبد حاکم و مدیر فارس و رئیس ضرابخانه معرفی میکنند با این وصف بنظر میرسد که در این صحنه نقش میانی مربوط بشاپور اول و شخص حامل فره ایزدی همان کرتیر باشد که در سایر کتیبه‌های نقش رستم حضور دارد و انگهسی از اقتدار و سلطه روحانیون زمان ساسانی همین بس که پادشاهان نخستین مانند اردشیر و شاپور توانسته‌اند بدون مداخله روحانیون ، ولیعهد خود را تعیین نمایند و انتخاب ولیعهد سایر پادشاهان ساسانی ( باستثنای یکی دو نفر دیگر ) بنا برآی و تصمیم و تصویب موبدان بزرگ و سپهبد و رئیس دبیران بوده است . بدون شك در تاریخ سلسله ساسانی هیچ‌یک از موبدان موبد از نظر اختیارات و قدرت و خدمات اجتماعی و دینی بنیادین که در پایه کرتیر نرسیده است او یکی از موبدان بزرگ است که در بنیانگزاری آئین زرتشت و وحدت این دین ملی شاپور را یاری و معاضدت نموده است . و محتملاً همین کرتیر بوده است که پس از ۹ سال علاقه و وابستگی شاپور را از مانویت بر طرف و موجبات گریز مانی را از ایران فراهم ساخته و شاپور را واداشته است که مطالبی بر علیه مانویت منتشر نماید و یقیناً این منظور با کوشش و مساعی زیاد توأم بوده است که کرتیر در پایان معرفی خود در کتیبه کعبه زرتشت مینویسد از همان آغاز برای خشنودی روح خودم و

برای خدایان و برای شاهان رنج بردم و ناکامی کشیدم آتشکده ها و روحانیون را بزرگ داشم و بحق و مقام خود رساندم.

در این صورت حضور موبدان موبد . قاضی کل مملکت . سرپرست کل معبد آناهیتا حاکم و مدیر فارس . رئیس ضرابخانه و همنام اهورمزدا در این نقش برجسته بدون شك حاکمی از يك واقعه تاریخی است که در این گذرگاه و در حوزه شهر تاریخی بیشاپور اتفاق افتاده است هر چند موقعیت مکانی تنگ - قنديل طوری نیست که بتوان گفت در این مکان این حادثه بوقوع پیوسته است ولی با توجه به نزدیکی نقش باشهر بیشاپور و ارتباط آن با سایر نقوش برجسته تنگ چوگان که همگی حاکمی از پیروزی و عظمت و افتخار است میتوان ارتباط آنرا بایکی از حوادث تاریخی شاپور از جمله ضیافت و پیوند زناشویی و یا مراسمی که حضور ملکه و کرتیر در آن ضروری بوده است دانست جائیکه کرتیر در کتیبه کعبه زرتشت میگوید ازدواج را من قانونی کرده ام .

بطوریکه میدانیم در نقوش برجسته هخامنشی نقش ملکه دیده نمیشود ولی در حجاری های ساسانی مقام زن بصورت الهه ناهید و فرشته پیروزی ( نیکه ) و یابشکل عادی و طبیعی خود عرضه شده است چنانکه در نقش رستم مراسم تاج گذاری نرسی توسط ناهید که فره ایزدی را باو میدهد حجاری شده است و در حجاری دیگر در همین مکان در کنار تاج گذاری اردشیر اول تصویری از بهرام و ملکه وجود دارد و در روی سکه های بهرام علاوه بر نقش شاه نقش ملکه که گاهی ولیعهد هم در آن حضور دارد مشاهده میشود و در کتیبه سرمشهد که بهرام در حال کشتن شیری است تصویری از ملکه وجود دارد که برخی آنرا الهه ناهید میدانند<sup>۵</sup> بر روی بعضی از سکه های زمان ساسانی نقش ناهید ضرب شده است و همچنین در طاق بستان الهه ناهید که سبوتی در دست دارد

۵- در محل برم دلك فارس نقشی از بهرام و ملکه وجود دارد که شاه گلی را بملکه هدیه میکند یقیناً این نقش تقلیدی از نقش برجسته تنگ قنديل میباشد و لذا تصور می شود که نقش تنگ قنديل نیز مربوط به بهرام باشد ولی با احتمال به یقین نقش شاپور است .

در طرف راست خسرو پرویز بصورت ایستاده حجاری گشته است، سکه‌های پوران‌دخت و آذر میدخت ملکه‌های ساسانی نیز دال بر اهمیت مقام زن در دربار ساسانی است. اماتا کنون نقشی از ملکه شاپور اول پادشاه مقتدر ساسانی بدست نیامده و آنچه مسلم است نقوش زنان درباری را در این زمان با جامه‌های بلند و بساک‌های گل بر سر نشان داده‌اند که زینت بخش قصور سلاطین ساسانی بوده است.

از طرفی از متن کتیبه کعبه زرتشت با نام ملکه شاپور اول که بعنوان ملکه ملکه‌ها ذکر شده است بنام آذر آناهیتا آشنائی داریم و کر تیر موبدان موبد دو آتشکده یکی بنام نیک نام شاپور و دیگری بنام آذر آناهیتا ملکه ملکه‌ها دایر نموده است. ضمن عملیات اکتشافی شهر تاریخی بیشاپور توسط هیئت باستان‌شناسان فرانسوی در سی سال قبل یعنی ۱۳۱۹ شمسی در قصر شاپور موزائیکی از تصویر یک زن درباری که شاخه‌ای گل در دست و بساکی در سر و لباسی بلند بر تن دارد بدست آمده است (تصویر شماره ۷) که هم‌کنون زینت بخش موزه ایران باستان می‌باشد و از مقایسه آن با نقش برجسته مکشوفه تنگ قندیل چنین استنباط میشود که از نظر تناسب اندام و بساک و آرایش موزائیک و طرز لباس نقش برجسته تنگ قندیل مربوط به آذر آناهیتا ملکه ملکه‌های شاپور اول است و عکس آن نیز صادق است یعنی تصویر زن درباری مکشوفه نیز ملکه ملکه‌هاست و در این صورت در تصویر شخص پادشاه که شاپور اول دومین پادشاه ساسانی است جای شکی باقی نمی‌ماند و باین ترتیب

۶- احتمال دارد آتشکده بیشاپور که در آن نیایش آب و آتش در یک مکان جمع شده

است مربوط به ملکه آذر آناهیتا باشد.

حجاری مورد بحث بین سال‌های ۲۶۰ و ۲۷۳ نقش گردیده است.<sup>۷</sup> هیئت حفاری علمی بیشاپور چنین می‌بندارد که با کشف این اثر هنری ارزنده موفق به معرفی یکی از بهترین آثار دوره ساسانی می‌گردد و تا آنجا که اطلاع‌دارد نقش مورد بحث تا کنون ناشناخته بوده است و اسم محلی هم ندارد بدین لحاظ هیئت پیشنهاد مینماید نقش نامبرده بمناسبت مکانی که در آن حجاری بعمل آورده است بنام نقش برجسته تنگ‌قندیل خوانده شود و اگر درباره آن قبلاً اطلاعی و اشاره‌ای در کتابها و نشرات باشد طبعاً بنامی که پیش از این نامیده و شناخته شده است خوانده می‌گردد. این اثر هنری فاقد کتیبه است ارزش هنری و شکوه و جلال بدیع آن شاید بعلمت وجود ملکه ملکه‌ها آذرآناهیناطوری است که خشونت کار هنرمندان بسیاری از نقوش ساسانی در آن دیده نمی‌شود و شیوه حجاری برجسته بنحوشایسته‌ای تلطیف گردیده و بزهی شادمانه بوجود آورده است و مخصوصاً حرکت موزون اندام ملکه که بشکل موقر مجسم شده و سایر حرکات وی نقوش این مجلس را بطوری تحت تأثیر قرار داده است که شاهنشاه ساسانی با همه ابهت و عظمتش حرکات مطلوب خود را هماهنگ با نقش ملکه ساخته است و صحنه‌های دل‌فریب آن نه تنها ناقص گفته‌های مارسیلینوس مورخ رومی (۳۳۰-۴۰۰ میلادی) است که می‌گوید ایرانیان فقط مناظر جنگ و خون‌ریزی را نقاشی می‌کنند. بلکه دقت و لطافت روح‌انگیز این نقش طوری است که هنرمند حجار بصورتی بس هنرمندانه از عهده آن برآمده است و موجبات بیشتر تلطیف صحنه را فراهم نموده و چنان ظرافت و روحی به نقش بخشیده است که نظیر آن در صحنه شکار یا پیروزی و اعطای منصب نیست بلکه سکون و آرامش و روحانیت نقش

۷ - تاریخ پایان شهر سازی بیشاپور در سال ۲۶۶ میلادی بوده و تاریخ پیروزی شاپور بر والرین در سال ۲۶۰ میلادی میباشد که قدیمی‌ترین آثار حجاری در تنگ چوگان است بنابراین اگر همزمان با این تصاویر نقش مذکور صورت‌نگرفته باشد یقیناً از نظر رابطه تاریخی با تاریخ پایان شهر سازی بیشاپوز مرتبط میشود.

تنگ قندیل بیننده را بیاد نقوش زمان هخامنشی و گفته مورخ معروف انگلیسی سرپرسی سایکس می‌اندازد که میگوید سلاطین ساسانی شکوه و جلال سلطنت هخامنشی را تجدید نموده و یک فصل برجسته و درخشانی بر تاریخ ایران افزودند.



تصویر ۷ - کاشی موزائیک یکن درباری مکشوفه از عملیات حفاری سال ۱۳۱۹ در بیشاپور